



علیرضا مظفری نیکو* - علیرضا قاسمی**؛ موضوع

تهدیدات نامتقارن در سالیان اخیر به یکی از مباحث مهم و دغدغه‌های اصلی استراتژیست‌ها و سیاستمداران ایالات متحده آمریکا تبدیل شده است و براساس آن مقوله جنگ نامتقارن، بخش عمده‌ای از ادبیات موجود در حوزه مسائل نظامی و راهبردی را در این کشور به خود اختصاص داده است. برای نخستین‌بار رسماً مفهوم جنگ نامتقارن در گزارش بررسی دفاعی چهارسالانه آمریکا در سال ۱۹۹۷ میلادی مورد استفاده قرار گرفت و دانشگاه پدافند ملی این کشور در برآورد استراتژیک سالانه خود در سال ۱۹۹۸ میلادی یک فصل کامل را به تهدیدات نامتقارن اختصاص داد. از آن زمان به بعد ادبیات مربوط به موضوعات نامتقارن رو به فزونی نهاد. ستاد مشترک ارتش آمریکا جنگ نامتقارن را به‌کارگیری رویکردهای غیرقابل پیش‌بینی یا غیرمتعارف برای ختنی نمودن ریا تضعیف قوای دشمن و در عین حال بهره‌برداری از نقاط آسیب‌پذیر او از طریق فناوری‌های غیرقابل انتظار یا روش‌های مبتکرانه معرفی نمود و به موازات این مباحث پروژه قرن جدید آمریکا(استقرار نظم امپراتوری در سراسر جهان توسط ایالات متحده آمریکا) در دستور کار نومه‌حافظه‌کاران این کشور قرار گرفت. هر کشوری با توجه به شرایط خاص داخلی و اوضاع و احوال منطقه‌ای و با درک نظامی بین‌المللی،نیازمند تدوین استراتژی امنیتی و دفاعی ویژه‌ای است و به همین ترتیب با توجه به چگونگی و اهمیت تهدیداتی که متوجه او است، نیازمند شیوه‌های مقابله خاصی است.(روشندل، ۱۶۰) اگرچه باید توجه داشت بسیاری از تهدیدات منشأ روانی و تبلیغاتی برای تحت تأثیر قرار دادن اراده طرف مقابل دارند، با این حال آمادگی مقابله حتی با چنین تهدیداتی جزو راهبردهای کشورها محسوب می‌گردد.

از میان تهدیدات مختلف موجود، تهدید نظامی به دلیل آن که طرفین درگیر را در وضعیت شناخته‌شده‌های قرار می‌دهد، مهم‌ترین تهدید محسوب می‌گردد. تهدیدات نظامی از این رو مورد تأکید است که در صورت تبدیل تهدیدات بالقوه به بالفعل آثار و نتایج آن بسیار زیاد و خردکننده خواهد بود.(کالینز، ۳۵)

جمهوری اسلامی ایران به لحاظ منزلت راهبردی‌ای که دارد، دارای وجود و ابعاد مختلفی و امنیت است. پیروزی انقلاب اسلامی که محصول یک تحول بنیادین در جامعه ایران بود از حیث دگرگونی در بنیادهای الگوی استراتژیک کشور مورد

ایجاد مهارت‌های لازم برای تصمیم‌گیری در شرایط قطع از نریاط
-قابلیت رزم در محیط‌های ناپیوسته جغرافیایی در انجام نبرد غیرخطی
-توجه به اصل غلجگیری و جلوگیری از برتری مطلق دشمن در توان هوایی و موشکی و به حداقل رساندن آسیب‌پذیری‌ها.
علاوه بر محورهای مذکور، برخی شاخصه‌های محتوایی در دکترین نبرد نامتقارن جمهوری اسلامی ایران وجود دارد که مبتنی بر آموزه‌های مکتب اسلام و تعلیم روحبخش قرآن کریم و معصومین علیهم‌السلام و با تأسی از فرمایشات امام راحل(ره) و مقام معظم رهبری شکل گرفته و آن را از مفهوم غربی آن کاملاً متمایز می‌سازد که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد. لازم به ذکر است این شاخصه‌ها به هم مرتبط بوده و در مواردی با یکدیگر هم‌پوشانی دارند.

۱- **توجه به اصل معنویت**

عنصر معنویت در دکترین نبرد نامتقارن از دیدگاه «جمهوری اسلامی ایران» از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. معنویت مجموعه صفات و اعمالی است که حال و شور و جاذبه قوی و شدید و در عین حال منطقی و صحیح را در انسان به وجود می‌آورد تا او را در سیر به سوی خدای یگانه و محبوب عالم به طور اعجاب‌آوری، پیش ببرد. وجه غالب و اساسی در معنویت، توجه به خدا و انجام عمل برای اوست و هم در نیت و هم در عمل، خدا را حاضر و ناظر دانستن، معنویت است.(صحیفه نور، ۸)

معنویت مثبت و صحیح حاصل معرفت، آگاهی، اخلاص در عمل، ارتباط و انس پایدار و عمیق با پروردگار عالم، اجرای احکام الهی... است که دستاورد آن انسان‌های پرهیزکار، صالح، خداترس و مؤمن است که قطعاً در جبهه نبرد علیه دشمن بزرگ‌ترین صحنه‌های حماسه و ایثار را به وجود خواهند آورد.

از این رو یکی از محوری‌ترین اصول حاکم بر نبرد نامتقارن، توجه خاص به انگیزه‌های معنوی رزمندگان می‌باشد. امام راحل(ره) با الگو گرفتن از قرآن کریم و معصومان علیهم‌السلام همواره بر این معنا تأکید داشتند که تنها در صورت داشتن ایمان و توسعه آن می‌توان بر دشمنان پیروز گردید. ایشان با محور قرار دادن عنصر معنویت در جنگ در بیانی فرمودند:

ما باید همه چیز خودمان را از او (خدا) بداییم. شما نه افراد زیاد دارید و نه سلاح و سزاز و برگ جنگی زیاد، ولی طرف مقابل شما از همه دنیا به او کمک می‌شود، وقتی این‌طور شده، آن کسی که هیچ ندارد باید با جهات معنوی مقابله کند. با جهات صوری که نمی‌شود.(صحیفه نور، ج ۸، ۱۱۴)

این فرمایش امام(ره) در واقع ترجمان آیه شریفه سوره انفال می‌باشد که می‌فرماید:
«بِأَيِّهَا اللَّيْبِي حَرْبِي الْمُؤْمِنِينَ عَلَي الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَفْقَهُونَ؛ ای رسول! مؤمنان را به جنگ ترغیب کن، اگر بیست نفر از شما صبور و پایدار باشید بر دویست نفر از دشمنان پیروز خواهی شد و اگر صد نفر بودید با هزار نفر از کافران برابری توانید کرد و پیروزی را به دست خواهی آورد.»(انفال، ۶۵)

دشمن

-انطفابپذیری ساختاری
-خودتکایی و استقلال رزمی
-تحلیل جغرافیایی غیرمنتظره مبارزه بر دشمن
-اشراف اطلاعاتی پنهان و آشکار به اهداف استراتژیکی‌دشمن
-شناسایی نقاط ضعف دشمن
-ایجاد سیاست تحرک و واکنش سریع
-کارآمدسازی سیستم‌های ارتباطی غیرشبکه‌ای و

«ما شهادت را برای خودمان حیات می‌دانیم. این مکتب اسلام است که شهادت را زندگی می‌داند.»(صحیفه نور، ۱۱۴)
از این رو در دکترین نبرد نامتقارن مقوله شهادت‌طلبی مورد توجه اساسی قرار می‌گیرد چراکه از این دیدگاه شهادت بالاترین عطیه الهی است که به یک ملت داده می‌شود و تنها در سایه آن است که بنیان جامعه دینی استوار می‌ماند.

۲-**تکلیف‌مداری**
بی‌تردید در تمام جنگ‌های عالم، هدف نهایی طرف‌های درگیری، پیروزی در نبرد است و رسیدن به نقطه مطلوب جنگ زمانی متصور است که در نهایت برتری ظاهری و نظامی از آن یک طرف واقع شود. اما در آیین رحمتبخش اسلام که دکترین نبرد نامتقارن از آن آیین الهام می‌پذیرد هدف از جنگ و مبارزه صرفاً برتری ظاهری و نظامی نیست بلکه مقصود والاتری متصور است که همانا عمل به تکلیف و اطاعت امر پروردگار دربارہ دفاع از سرزمین اسلامی است چرا که خداوند متعال در قرآن کریم با خطاب‌های متعدد و گوناگون، کشتگان در راهش را زنده معرفی می‌نماید و آنان را پیروز میدان نبرد می‌خواند.(آل عمران: ۶۹)

بر همین اساس بود که بنیانگذار جمهوری اسلامی با الهام از تعالیم متعالی اسلام و پیروی از سیره جد بزرگوارشان امام حسین علیهم‌السلام بر مساله انجام تکلیف تأکید می‌نمودند و نگاه ایشان فقط و فقط انجام تکلیف بود و نه پیروزی نظامی ظاهری و این معنا را بارها با عبارات مختلف بیان می‌نمودند:
«سن کرارا غفتمه‌ما ما چه کشته شویم و چه بکشیم، پیروزییم.»(صحیفه سوره، ج ۱۲، ۲۲۴)
«کشتن و کشته شدن در راه خدا سرفرازی است.»(همان، ج ۴، ۲۴۴)
«ما بنا داریم به تکلیف عمل کنیم.»(همان، ج ۶، ۲۲۰)

۴-**انسان‌محوری**
با نگاهی گذرا به معادلات جنگی در منازعات جهانی به خوبی روشن می‌گردد آنچه به عنوان اصل عدول‌ناپذیر در همه درگیری‌ها منظر قرار می‌گیرد توجه به توانایی‌های تکنولوژیک و جنگ‌افزارهای نظامی است، لکن با نگاه به بیانات و مواضع رهبر فقید انقلاب مشخص می‌گردد دیدگاه ایشان با گزاره فوق متفاوت می‌باشد.(بهداروند، ۱۱۴۵)امام(ره) همواره نقش مردم را به عنوان اصل و محور تعیین‌کننده در جنگ دانسته و ادوات نظامی را به عنوان فرعی بسر این اصل مهم معرفی می‌نمودند.(ر.ک: صحیفه نور، ج ۱۸، ۸۳)

از این رو است که مساله انسان‌محوری به عنوان شعار امروز سپاه پاسداران مورد تأکید قرار می‌گیرد (ر.ک: مصاحبه نماینده ولی فقیه در سپاه با هفت‌نامه صبح صادق، ۱۰) و فرمانده کل سپاه در این زمینه می‌گوید: «در نبرد نامتقارن، آنچه عدم تقارن را جبران می‌کند، نیروی انسانی مؤمن و بال‌نگیزه است. این ایمان و انگیزه می‌تواند در برابر تجهیزات دشمن مقاومت کند و کمبود فناوری و تکنولوژی را جبران نماید... ما معتقدیم نامتقارن بودن چنین نبردهایی با نیروی ایمان و نیروی انسانی بال‌نگیزه قابل جبران است، بنابراین نقش سیج به عنوان یک نیروی مؤمن و بال‌نگیزه در نبرد نامتقارن تعیین‌کننده، اساسی و محوری است.»(مصاحبه سرلشکر جعفری با پیام انقلاب، ۸)

۵- **نفی تجاوز**

اگرچه مجموعه مباحث و تعالیمی که دین مبین اسلام و قرآن کریم در باب نبرد و جهاد به پیروان خود آموخته‌اند بتدریج درخواهیم یافت اساساً ماهیت جهاد و نبرد در راه خدا کاملاً تنافی است. آیه ۳۹ سوره مبارک که حج به اعتقاد برخی مفسران، مهم‌می‌فرماید:

بررسی مفهوم «جنگ نامتقارن» در منظومه فکری امام خمینی (ره)

چرا ما پیروزیم؟

نخستین آیه جهاد است می‌فرماید:
«أَذِّنْ لِلَّذِينَ يِقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَأَنَّ اللَّهَ عَلىٰ نَصْرِهِم لَقَدِيرٌ؛ به کسانی که مورد تهاجم و جنگ‌افروزی دشمن قرار گرفته‌اند، اجازه جهاد داده شده و خداوند بر یاری آنها تواناست.»
در آیات دیگر مربوط به جهاد در قرآن کریم نیز به صراحت مشاهده می‌شود که اجازه یا فرمان جنگ و جهاد به این دلیل صادر شده‌است که مسلمانان مورد تهاجم و تجاوز نظامی قرار گرفته‌اند و نیروهای نظامی آنها که از متن مردم برآمده‌اند نه‌تنها ابزار تجاوزگری و سرکوب نیستند بلکه در دل‌های مردم جای دارند و به نقطه مطلوب جنگ زمانی متصور است که در نهایت برتری ظاهری و نظامی از آن یک طرف واقع شود. اما در آیین رحمتبخش اسلام که دکترین نبرد نامتقارن از آن آیین الهام می‌پذیرد هدف از جنگ و مبارزه صرفاً برتری ظاهری و نظامی نیست بلکه مقصود والاتری متصور است که همانا عمل به تکلیف و اطاعت امر پروردگار دربارہ دفاع از سرزمین اسلامی است چرا که خداوند متعال در قرآن کریم با خطاب‌های متعدد و گوناگون، کشتگان در راهش را زنده معرفی می‌نماید و آنان را پیروز میدان نبرد می‌خواند.(آل عمران: ۶۹)

«ما ان‌طور نیستیم که وقتی زور پیدا کردیم، با قدری بخواهیم در یک کشور دیگر دخالت کنیم، ظلم و تجاوز و تعدی در قاموس فرهنگ اسلامی جایگاهی ندارد.»(صحیفه نور، ج ۲۳، ۱۶)

۶- **انسانی و عادلانه بودن نبرد**

اگر به مجموعه تعالیم دین مبین اسلام توجه کنیم درمی‌یابیم از اهرم خشونت صرفاً در موارد اضطراری، بسیار محدود و در حد ضرورت، آن هم با رعایت اصول انسانی و مقررات حقوقی جنگ استفاده می‌شود.(احمدی، ۱۰۲)
به عبارت دیگر رعایت حقوق انسانی و توجه وافر به مسائل اخلاقی یکی از ویژگی‌های مهم جنگ در اسلام است.

پیامبر گرامی اسلام هنگامی که می‌خواستند سپاهی را برای جنگ اعزام نمایند خطاب به آنها می‌فرمودند:

«سیروا بسم‌الله و بالله و فی سبیل‌الله و لاتغلبوا و لاتمثلوا و لاتغدروا و لاتقتلوا شیخاً و لاصبیا و لا امرأة و لاتقتلوا شجراً الا ان تظنروا الیها، با نام خدا و برای خدا و در راه خدا سفر را آغاز کنید، نریزگ و حقه نزنید، کشته‌ها را مثل‌ه نکنید، سالخوردگان، کودکان و زنان را نکشید و درختی را نبرید مگر این که مجبور شوید.»(فروغ کالی، ج ۱، ۵، ۲۷)

و نیز از امام صادق علیه‌السلام نقل شده که فرمودند:
«پی رسول‌الله ان یلقی السمّ فی بلاد المشرکین؛ رسول خدا صلی‌الله و علیه و آله از ریختن سم در سرزمین مشرکان نهی کرده‌است.»(همان)
بنابراین از دیدگاه اسلام جنگ به معنای واقعی بشر این اصل مهم معرفی می‌نمودند.(ر.ک: صحیفه نور، ج ۱۸، ۸۳)

از این رو است که مساله انسان‌محوری به عنوان شعار امروز سپاه پاسداران مورد تأکید قرار می‌گیرد (ر.ک: مصاحبه نماینده ولی فقیه در سپاه با هفت‌نامه صبح صادق، ۱۰) و فرمانده کل سپاه در این زمینه می‌گوید: «در نبرد نامتقارن، آنچه عدم تقارن را جبران می‌کند، نیروی انسانی مؤمن و بال‌نگیزه است. این ایمان و انگیزه می‌تواند در برابر تجهیزات دشمن مقاومت کند و کمبود فناوری و تکنولوژی را جبران نماید... ما معتقدیم نامتقارن بودن چنین نبردهایی با نیروی ایمان و نیروی انسانی بال‌نگیزه قابل جبران است، بنابراین نقش سیج به عنوان یک نیروی مؤمن و بال‌نگیزه در نبرد نامتقارن تعیین‌کننده، اساسی و محوری است.»(مصاحبه سرلشکر جعفری با پیام انقلاب، ۸)

۵- **نفی تجاوز**
اگرچه مجموعه مباحث و تعالیمی که دین مبین اسلام و قرآن کریم در باب نبرد و جهاد به پیروان خود آموخته‌اند بتدریج درخواهیم یافت اساساً ماهیت جهاد و نبرد در راه خدا کاملاً تنافی است. آیه ۳۹ سوره مبارک که حج به اعتقاد برخی مفسران، مهم‌می‌فرماید:

۲-**تکلیف‌مداری**
بی‌تردید در تمام جنگ‌های عالم، هدف نهایی طرف‌های درگیری، پیروزی در نبرد است و رسیدن به نقطه مطلوب جنگ زمانی متصور است که در نهایت برتری ظاهری و نظامی از آن یک طرف واقع شود. اما در آیین رحمتبخش اسلام که دکترین نبرد نامتقارن از آن آیین الهام می‌پذیرد هدف از جنگ و مبارزه صرفاً برتری ظاهری و نظامی نیست بلکه مقصود والاتری متصور است که همانا عمل به تکلیف و اطاعت امر پروردگار دربارہ دفاع از سرزمین اسلامی است چرا که خداوند متعال در قرآن کریم با خطاب‌های متعدد و گوناگون، کشتگان در راهش را زنده معرفی می‌نماید و آنان را پیروز میدان نبرد می‌خواند.(آل عمران: ۶۹)

بر همین اساس بود که بنیانگذار جمهوری اسلامی با الهام از تعالیم متعالی اسلام و پیروی از سیره جد بزرگوارشان امام حسین علیهم‌السلام بر مساله انجام تکلیف تأکید می‌نمودند و نگاه ایشان فقط و فقط انجام تکلیف بود و نه پیروزی نظامی ظاهری و این معنا را بارها با عبارات مختلف بیان می‌نمودند:
«سن کرارا غفتمه‌ما ما چه کشته شویم و چه بکشیم، پیروزییم.»(صحیفه سوره، ج ۱۲، ۲۲۴)
«کشتن و کشته شدن در راه خدا سرفرازی است.»(همان، ج ۴، ۲۴۴)
«ما بنا داریم به تکلیف عمل کنیم.»(همان، ج ۶، ۲۲۰)

با نگاهی گذرا به معادلات جنگی در منازعات جهانی به خوبی روشن می‌گردد آنچه به عنوان اصل عدول‌ناپذیر در همه درگیری‌ها منظر قرار می‌گیرد توجه به توانایی‌های تکنولوژیک و جنگ‌افزارهای نظامی است، لکن با نگاه به بیانات و مواضع رهبر فقید انقلاب مشخص می‌گردد دیدگاه ایشان با گزاره فوق متفاوت می‌باشد.(بهداروند، ۱۱۴۵)امام(ره) همواره نقش مردم را به عنوان اصل و محور تعیین‌کننده در جنگ دانسته و ادوات نظامی را به عنوان فرعی بسر این اصل مهم معرفی می‌نمودند.(ر.ک: صحیفه نور، ج ۱۸، ۸۳)
از این رو است که مساله انسان‌محوری به عنوان شعار امروز سپاه پاسداران مورد تأکید قرار می‌گیرد (ر.ک: مصاحبه نماینده ولی فقیه در سپاه با هفت‌نامه صبح صادق، ۱۰) و فرمانده کل سپاه در این زمینه می‌گوید: «در نبرد نامتقارن، آنچه عدم تقارن را جبران می‌کند، نیروی انسانی مؤمن و بال‌نگیزه است. این ایمان و انگیزه می‌تواند در برابر تجهیزات دشمن مقاومت کند و کمبود فناوری و تکنولوژی را جبران نماید... ما معتقدیم نامتقارن بودن چنین نبردهایی با نیروی ایمان و نیروی انسانی بال‌نگیزه قابل جبران است، بنابراین نقش سیج به عنوان یک نیروی مؤمن و بال‌نگیزه در نبرد نامتقارن تعیین‌کننده، اساسی و محوری است.»(مصاحبه سرلشکر جعفری با پیام انقلاب، ۸)
۵- **نفی تجاوز**
اگرچه مجموعه مباحث و تعالیمی که دین مبین اسلام و قرآن کریم در باب نبرد و جهاد به پیروان خود آموخته‌اند بتدریج درخواهیم یافت اساساً ماهیت جهاد و نبرد در راه خدا کاملاً تنافی است. آیه ۳۹ سوره مبارک که حج به اعتقاد برخی مفسران، مهم‌می‌فرماید:

اشاره
<p>خاطرات دوران انقلاب شهید بهشتی</p> <p>رزم موفقیت در مبارزه</p> <p>مرحوم آیت‌الله شهید بهشتی در یکی از خاطراتش که مربوط به راهپیمایی در دوران انقلاب می‌باشد، می‌گوید: در راهپیمایی وحدت، مردم عزیز ایران توانستند با درخشیدن یک روزه، تبلیغات شوم چند ماهه دشمنان انقلاب اسلامی ایران را در داخل و خارج ی ارزش کنند. بوق‌های تبلیغاتی دشمنان انقلاب همه جا فریاد سر داده بودند که ملت ایران و خودش را به زور می‌کشد و آن شور و آن حضور و آن عشق و علاقه به انقلاب، دیگر در ملت نیست. اما راهپیمایی ۱۱ میلیونی در سراسر ایران و راهپیمایی ۲ میلیون نفری در تهران، نشان داد دشمنان انقلاب اسلامی همانطور که اول، انقلاب ایران را شناخته بودند، هنوز هم شناخته‌اند. پدمان ترفته‌است که سیاستمدارهای آمریکا و سیاستمداران مزبور و نظامیان وابسته به آنها، و خبرنگاران اعزامی آنان به ایران، هر وقت صحبت از انقلاب ایران می‌شد، ما را تهدید می‌کردند. مگر به خود من می‌گفتند: شما چکار می‌کنید؟ و موقعی که زمان بختیار رسیده بود می‌گفتند: بگذارید بختیار اقلاک کار خودش را بکند من به آنها گفتم: انقلاب ما جهش مشخص است. مردم می‌دانند چه می‌خواهند. مگر مردم ما را ندیدید که تا بختیار بر روی کل آمد فریاد زدند مرگ بر بختیار نوکر بی‌اختیار! ملت ما نوکری را نمی‌پذیرد. ما را تهدید می‌کردند و می‌گفتند: شما خیلی به این ملت اتکا و اعتماد دارید و بیش از حد خوشبین هستید. ما نگران هستیم که اگر ارتش به وفاداری شاه قیام کند در همین تهران یک میلیون نفر کشته شوند. به اینها گفتم: عیب کار همین جاست که شما ما را شناخته‌اید. به آنها گفتم وضع شما مانند وضع کسی است که با یک عاشق روبرو شده باشد. آن وقت سخن از معشوقش به میان بیاید و بعد به او بگوید که تو از معشوقت نمی‌ترسی؟! شهادت، کشته شدن در راه آرمان الهی، معشوق ماست. آیا شنیده‌ای عاشقی را از معشوق برسانند. شما ملت ما را به اشتیابه با ملت خودتان قیاس می‌کنید، و رهبران مخلص ما را با رجال سیاسی‌تان اشتباه گرفته‌اید. در آنجا یک رجل سیاسی این طرف و آن طرف می‌رود، نطق انتخالی می‌کند، مصاحبه می‌کند تا به کرسی برسد. وقتی یک رهبر سیاسی همه تلاشش در عشق یک کرسی است اگر به او بگویند ممکن است در این راه تو را بکشند، واضح است که کناره‌گیری می‌کند. ولی یک رهبر سیاسی و اجتماعی اسلامی و یاران هم‌رزمش از همان آغاز جهاد و مبارزه با عشق شهادت می‌آید؛ عشق به شهادت ناشی از مکتب است.^(۱)</p> <p>■ فرهنگ‌ها</p> <p>سال ۵۷، روز چهارم شوال، مصادف با روز شانزده شهریور، دومین راهپیمایی عمومی پرشکوه تهران به دعوت روحانیت مبارز انجام گرفت. هنگامی که جمعیت به سر بیچ شمریان آمدند، نماز ظهر را به اتفاق خواندیم. در آن زمان هنوز برنامه‌ها از قبل هماهنگ نمی‌شد. وقتی نماز تمام شد عده‌ای گفتند: حالا از کدام طرف به راهپیمایی ادامه بدهیم؟ گفتم: مگر ستاد تصمیم قبلی نگرفته‌است؟ گفتند نه! فقط قرار شده‌است بر حسب موقعیت تصمیم‌گیری شود. کمی مشورت کردیم و تصمیم گرفتیم به سمت میدان آزادی که شهیاد نام داشت، حرکت کنیم و چون هنگام اعلام کردن نمی‌خواستیم شهیاد بگوییم همان جا ذهن خلاق دوستان اسمی پینا کرد و گفتند به سمت میدان شیاد می‌رویم! وقتی حرکت کردیم، شاید حوالی دانشگاه بودیم که عده زیادی که هنوز ترس از دلشان زده‌ده نشده بود، گفتند مردم را به کجا می‌برید؟ به قتلگاه؟ گفتم: نمی‌ترسم، ما به هم می‌رویم، همه با هم می‌رویم، اگر قتلگه است همه با هم می‌رویم، ما که جلوتر هستیم، بعضی‌ها گفتند خواهر‌ها جلوی صف باشند که دشمنان حیا کرده و حمله نکنند. ما گفتیم خیر! روحانیون باید جلوی صف باشند. برای اینکه خواهر‌ها در عین اینکه در این مبارزه شرکت دارند، باید ما حامی آنها باشیم. حرکت را ادامه دادیم، خبر آوردند در نزدیکی میدان، ماشین‌های مسلح و آماده برای حمله ایستاده‌اند و اگر آنجا برویم، مردم اصلاً امکان فرار ندارند و ممکن است هزاران نفر کشته شوند. به آنها گفتم اگر یک میلیون نفر هم کشته شوند باید این راه را برویم، این یک وظیفه است. اگر هم شهید شدیم که به هدفمان رسیدیم، وقتی وارد میدان شدیم خواهر‌ها که در پشت صف حرکت می‌کردند، با مشت‌های گره‌کرده به سمت ماشین‌ها رفتند و اهبت دشمن را شکستند. این کار؛ نشانه یک فرهنگ تازه است که در برابر آن، ماشین مسلح که هیچ، بلکه رگبار مسلسل هم توان ایستادگی ندارد. شاید در همان روز بود که شعر «بوی تاک مسلسل، دیگر اثر ندارد» را بیان کردند. این دگرگونی و این انقلاب راستین در روحیه و در نظام ارزشی انسان‌ها همان چیزی است که اسلام می‌خواهد ریزا اسلام می‌خواهد در راه دفاع از خود، سرزمین و دینمان؛ مردمی نترس و جانپزای فداکار باشیم.^(۲)</p> <p>بی‌نوش</p> <p>۱- سرخنرانی شهید بهشتی تحت عنوان دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران، ۵/۱۳۸۸/۱۳۵۸، مسجده مهدیه تهران، آرشیو نوار معاونت فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی</p> <p>۲- سرخنرانی شهید بهشتی تحت عنوان جهاد در نظام ارزشی اسلامی، اهواز، آرشیو نوار معاونت فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی.</p>